بسم الله الرحمن الرحيم

La Divina Commedia

Inferno

Dante Alighieri

سرشناسه:	دانته آلیگیری، ۱۲۶۵ - ۱۳۲۱ م. Dante Alighieri
عنوان و نام پدیدآور:	کمدی الهی/ اثر دانته آلیگیری؛ ترجمه از متن ایتالیایی، با مقدمه و شرح و حواشی شجاع‌الدین شفا.
مشخصات نشر:	تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری:	۳ ج.: مصور.
شابک:	دوره: ۷-۱۹۴۶-۰۰-۹۶۴-۹۷۸
	ج۱: ۶-۱۹۴۳-۰۰-۹۶۴-۹۷۸
	ج۲: ۳-۱۹۴۴-۰۰-۹۶۴-۹۷۸
	ج۳: ۰-۱۹۴۵-۰۰-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی:	فاپا
یادداشت:	عنوان اصلی: La Divina commedia.
یادداشت:	چاپ سی و سوم: ۱۴۰۵.
موضوع:	شعر ایتالیایی -- قرن ۱۴م.
موضوع:	Italian poetry -- 14th century
شناسه افزوده:	شفا، شجاع‌الدین، ۱۲۹۷ - ۱۳۸۹ ،، مترجم، مقدمه‌نویس
رده‌بندی کنگره:	PQ۴۳۸۹/ا۳۸ف ۱۳۹۷
رده‌بندی دیویی:	۸۵۱/۱
شماره کتابشناسی ملی:	۵۱۵۸۱۷۴

Inferno

کمدی الهی



دوزخ

کمدی الهی

دوزخ

دانته آلیگیری
ترجمهٔ شجاع‌الدین شفا از متن ایتالیایی، با مقدمه، شرح و حاشیه

چاپ اول ▲ ۱۳۳۵ ▲
چاپ سی و سوم ▲ ۱۴۰۵ ▲ ۲۰۰۰ نسخه ▲

چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه ▲

دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی،
تقاطع خیابان سعدی، پلاک ۲
شمارهٔ تماس: ۲-۰۲۱۳۳۹۰۰۷۵۱ و ۶۱۲۸
کدپستی: ۱۱۴۳۸۱۷۸۱۸

amirkabirpub.ir
@amirkabirpubco

مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر
© همهٔ حقوق محفوظ است.

Incipit Comedia
Dantis ALAGHERLL
Florentini natione,
non moribus.
چنین است کمدی دانته آلیگیری که اهل فلورانس است، اما
فلورانسی خوی نیست.[1]

۱. سرآغاز کمدی الهی به زبان لاتینی. دانته با این جمله کتاب خود را به «کان گرانده دلا اسکالا اهدا کرده است.»

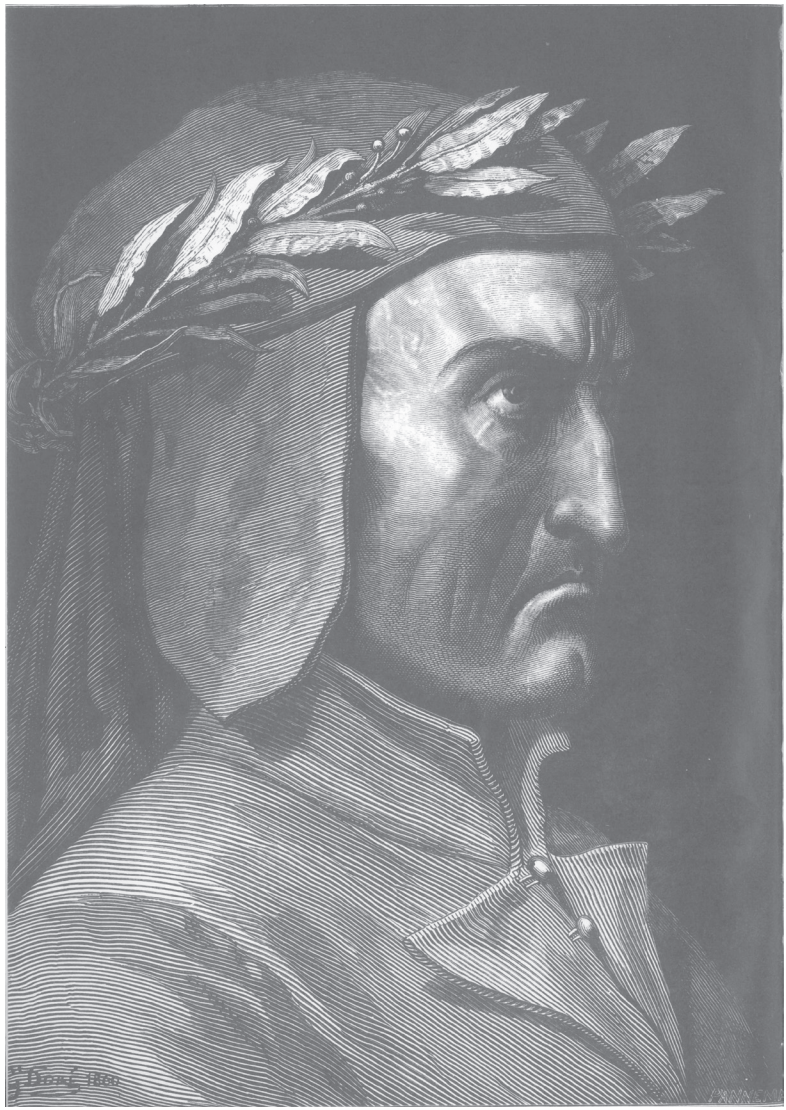

تصویر بالا
دانته آلیگیری (۱۲۶۵–۱۳۲۱)
تصویر از گوستاو دورهٔ نقاش فرانسوی

فهرست

سخنی چند با خوانندگان ۱۱
مقدمه ۱۷
سرود اول: یا مقدمهٔ کلی «کمدی الهی» ۷۵
سرود دوم: یا «مقدمهٔ دوزخ» ۸۷
سرود سوم: طبقهٔ مقدماتی دوزخ: ابن‌الوقت‌ها ۹۵
سرود چهارم: طبقهٔ اول دوزخ (لیمبو): بزرگان دوران کهن ۱۰۵
سرود پنجم: طبقهٔ دوم دوزخ: شهوت‌پرستان ۱۱۵
سرود ششم: طبقهٔ سوم دوزخ: شکم‌پرستان ۱۲۷
سرود هفتم: طبقهٔ چهارم دوزخ: خسیسان و مسرفین ۱۳۷
سرود هشتم: طبقهٔ پنجم دوزخ (بقیه): ارباب غضب ۱۴۷
سرود نهم: طبقهٔ ششم دوزخ: اهل زندقه ۱۵۷
سرود دهم: طبقهٔ ششم دوزخ: زنادقه ۱۶۷
سرود یازدهم: طبقهٔ ششم دوزخ (بقیه): زنادقه ۱۷۷
سرود دوازدهم: طبقهٔ هفتم دوزخ: تجاوزکاران ۱۸۵
سرود سیزدهم: طبقهٔ هفتم دوزخ: تجاوزکاران ۱۹۵
سرود چهاردهم: طبقهٔ هفتم دوزخ: تجاوزکاران ۲۰۵
سرود پانزدهم: طبقهٔ هفتم دوزخ: تجاوزکاران ۲۱۵
سرود شانزدهم: طبقهٔ هفتم: تجاوزکاران ۲۲۳
سرود هفدهم: طبقهٔ هفتم دوزخ: تجاوزکاران ۲۲۹

سرود هجدهم: طبقهٔ هشتم دوزخ: حیله‌گران ۲۳۹
سرود نوزدهم: طبقهٔ هشتم دوزخ: حیله‌گران ۲۴۹
سرود بیستم: طبقهٔ هشتم دوزخ: حیله‌گران ۲۵۹
سرود بیست و یکم: طبقهٔ هشتم دوزخ: حیله‌گران ۲۶۷
سرود بیست و دوم: طبقهٔ هشتم دوزخ: حیله‌گران ۲۷۵
سرود بیست و سوم: طبقهٔ هشتم دوزخ: حیله‌گران ۲۸۳
سرود بیست و چهارم: طبقهٔ هشتم دوزخ: حیله‌گران ۲۹۳
سرود بیست و پنجم: طبقهٔ هشتم دوزخ: حیله‌گران ۳۰۱
سرود بیست و ششم: طبقهٔ هشتم دوزخ: حیله‌گران ۳۰۹
سرود بیست و هفتم: طبقهٔ هفتم دوزخ: حیله‌گران ۳۱۷
سرود بیست و هشتم: طبقهٔ هشتم دوزخ: حیله‌گران ۳۲۵
سرود بیست و نهم: طبقهٔ هشتم دوزخ: حیله‌گران ۳۳۵
سرود سی‌ام: طبقهٔ هشتم دوزخ: حیله‌گران ۳۴۳
سرود سی و یکم: عفریتان ۳۵۳
سرود سی و دوم: طبقهٔ نهم دوزخ: خیانت‌کاران ۳۶۵
سرود سی و سوم: طبقهٔ نهم دوزخ: خیانت‌کاران ۳۷۷
سرود سی و چهارم: طبقهٔ نهم دوزخ: خیانت‌کاران ۳۸۷

سخنی چند با خوانندگان

۱. «کمدی الهی» اثر «دانته آلیگیری» نخستین بار بیش از چهل سال پیش به زبان فارسی در ایران منتشر شد. این اثر که بسیاری از بزرگان ادب جهان آن را بزرگ‌ترین محصول نبوغ انسانی و دائرةالمعارفی که زاده ده قرن سکوت و خاموشی مسیحیت است، دانسته‌اند از لحاظ انشا، آیین نگارش و ترکیب جمله‌ها و اصطلاحات یکی از پیچیده‌ترین و مغلق‌ترین آثار ادبیات جهان است، و چون در ترجمهٔ این اثر آنچه در درجهٔ اول مورد نظر بوده تطبیق ترجمه با متن بوده است، به‌ناچار هرجا که سلاست عبارات فارسی با حفظ صورت اصلی کلام منافات داشته، رعایت جنبهٔ اخیر مقدم شمرده شده است! بنابراین ممکن است در متن فارسی پیچیدگی‌ها یا استعارات نامأنوسی به نظر رسد که غالباً چاره‌ای جز نقل آن‌ها به همان صورت نبوده است.

۲. در نقل اسامی خاص، تلفظ ایتالیایی آن‌ها در متن و تلفظ این اسامی به زبان اصلی و نیز به آن صورتی که در کشورمان معمول است در حاشیه آمده، به‌جز کلماتی چند مانند سزار و اوگوست و فلورانس و اسامی فلاسفه و حکمایی چون ابن‌سینا و ابن‌الرشد و غیره که در متن به اسامی اصلی خود آورده شده‌اند و نیز کسانی که نام‌هایشان در تورات و انجیل آمده است.

در نقل نگارش لاتینی واژه‌ها در حواشی این کتاب، حروف آخر بعضی از کلمه‌ها که در داخل پرانتز نقل شده، حروفی است که در اصل متن ایتالیایی جزء این کلمات است، اما در شعر دانته به ضرورت شعری حذف شده است.

۳. دربارهٔ مفهوم واقعی بعضی از اشعار کمدی الهی از ده‌ها سال پیش میان

منتقدان و مفسران اختلاف‌نظر بوده و هنوز نیز تفسیرها، تعبیرها و نظرهای گوناگونی در این مورد وجود دارد؛ در این موارد آن مفهومی که مناسب‌تر به نظر آمده در متن و تعبیرات دیگر در حاشیه آمده است.

۴. نیاز به توضیح نیست که مترجم این اثر شجاع‌الدین شفا از نویسندگان معاند نظام مقدس جمهوری اسلامی است که به دلیل روابط نهان و آشکار خود با دربار پهلوی و احزاب شاهنشاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به خارج از کشور گریخت و اکنون به‌عنوان قلم‌به‌مزد به فعالیت‌های ضدانقلابی خود ادامه می‌دهد. وی همچنین از حامیان سلمان رشدی نویسندهٔ مرتد کتاب آیه‌های شیطانی است و بی‌شک تجدید چاپ این اثر مشهور به‌منزله تأیید مترجم آن نیست.

چند نظر از بزرگان ادب جهان دربارهٔ کمدی الهی

نظریاتی که در اینجا نقل می‌شود نمونه‌هایی معدود از نظریات تحسین‌آمیز و غالباً پر از مبالغه‌ای است که در عرض ششصد سال اخیر از طرف بزرگان هنر و ادب جهان غرب دربارهٔ دانته و اثر او ابراز شده است، و این‌جانب با آنکه بعضی را بسیار مبالغه‌آمیز می‌دانم آن‌ها را به‌عنوان نمونه نقل کرده‌ام تا روشن شود که دنیای ادب مغرب‌زمین نسبت به کمدی الهی چه نظر دارد. باید تذکر داد که در میان کسانی که عقایدشان در اینجا نقل شده، دو نفر یعنی ولتر و لامارتین اصولاً نظر مساعدی نسبت بدین کتاب ندارند و با وجود این مطالب ستایش‌آمیزی دربارهٔ آن گفته‌اند که در اینجا قسمتی از آن‌ها ترجمه شده است.

***

اوگوست کنت (Anguste Comte)؛ فیلسوف معروف قرن نوزدهم فرانسه (۱۷۹۸ - ۱۸۵۷): از آغاز پیدایش ادبیات در جهان تا به امروز، کمدی الهی بزرگ‌ترین محصول قریحه و نبوغ انسانی و بزرگ‌ترین درجهٔ فر و جلال هنر بشری است.

لانگ‌فلو (Longfellow)، شاعر بزرگ امریکایی، مترجم کمدی الهی به شعر انگلیسی (۱۸۰۷ - ۱۸۸۲): از میان مجموعه‌ای از رنج‌ها و شادی‌ها، نومیدی‌ها و امیدها، غمگساری‌ها و اشک‌ها، از میان فریادهای پر از هیجان روحی اسیر درد و غم، این «حماسهٔ عظیم زمین و آسمان» سر بر زده است که باید آن را اعجاز قرون‌وسطا شمرد.

بوکاچیو (Boccaccio)، نویسندهٔ بزرگ ایتالیایی، معاصر دانته (۱۳۱۳ - ۱۳۷۵): از زمان هومر تاکنون اثری بدین عظمت پدید نیامده است، و چطور می‌تواند بعد از این پدید آید؟

ولتر (Voltaire)، نویسنده و فیلسوف بزرگ فرانسه (۱۶۹۴ - ۱۷۷۸): در این کتاب اشعاری چنان زیبا و عالی وجود دارد که از چهارصد سال پیش تاکنون کهنه نشده و از این پس نیز هرگز کهنه نخواهد شد. عجب این است که کرسی‌های مخصوص علمی و دوره‌های مذهبی بحث و قرائت برای درک و تفسیر این نویسندهٔ کلاسیکی ایجاد شده باشد که در آن پاپ‌ها را در جهنم جای داده‌اند.

شاتوبریان (Chateaubriand) نویسندهٔ بزرگ فرانسوی (۱۷۹۰ - ۱۸۶۹): از این تودهٔ درآمیخته و درهم فشردهٔ استعارات و تمثیلات قرون‌وسطایی، که با مقیاس ذوق امروزی ما به نظر ثقیل و غیرقابل هضم می‌آید، قاعدتاً می‌بایست اثری خسته‌کننده و ملال‌انگیز پدید آمده باشد ولی از همین مجموع با دست دانته یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای کلیهٔ ادوار و کلیهٔ ادبیات جهان، پدید آمده است.

لامارتین (Lamartine) شاعر و نویسندهٔ بزرگ فرانسوی (۱۷۹۰ - ۱۸۶۹): چنین اثری، شاید اگر به دست شعرای عادی و در سرزمینی عادی پدید آمده و فقط جنبهٔ محلی و ملی و زمانی محدود این کتاب را داشته باشد، خیلی زود فراموش شود. ولی وقتی که گویندهٔ آن شاعری چون دانته باشد، شعر او الی‌الابد زنده می‌ماند. دانته یک خلاق بزرگ سخن، یک «زبان‌آفرین» تواناست که گویی شعر او به‌جای اینکه نوشته شده باشد، با دست این «میکل آنژ» دنیای نظم حجاری شده است.

شلینگ (Schelling) فیلسوف و نویسندهٔ بزرگ آلمانی (۱۷۷۵ - ۱۸۵۴): در محراب مقدسی که مظهر ترکیب «مذهب و شعر» است، دانته در بلندترین نقطه‌ای که متصور می‌تواند بود ایستاده است و هنر دنیای نو را یکسره در زیر پای خود دارد. کمدی الهی او اثری منزوی نیست که از میان تاریکی قرون‌وسطایی سر برآورده باشد، بلکه مظهر تمام شعر و هنر دنیای جدید است، و با این وصف چنان عظمتی دارد که جز با کلمات «منحصربه‌فرد» و خارق‌العاده آن را وصف نمی‌توان کرد.

لامنه (Lamennais) نویسنده و فیلسوف فرانسوی (۱۷۸۲ - ۱۸۵۴): سراسر این مجموعه از جهات مختلف سیاسی، تاریخی، فلسفی و مذهبی، تابلو کاملی از بشر و جنبه‌های معنوی و روحی و فکری و اجتماعی یک دوره است، و از این نظر است که به‌حق کمدی الهی را یک دائرةالمعارف نام داده‌اند. هیچ اثری در نزد قدما و در نزد معاصرین، در دنیای کهن و در دنیای نو، نیست که بتوان آن را با این کتاب برابر نهاد.

کارلایل (Carlyle) نویسنده و محقق معروف انگلیسی، مترجم انگلیسی کمدی الهی: این اثر فقط محصول کار دانته نیست، زیرا چنین اثری را یک نفر تنها پدید نمی‌تواند آورد. کمدی الهی زادهٔ ده قرن خاموشی مسیحیت است که بالاخره توانسته است

زبان بگشاید و سخن بگوید! عصارهٔ هزار سال زندگی بشری است که دانته کلمهٔ «تمت» را در آخر آن گذاشته است.

راسکین (Ruskin) نویسنده و منقد معروف انگلیسی (۱۸۱۹ - ۱۹۰۰): تمام کوشش میلتن در وصف دوزخ صرف این شده که آن را به‌صورتی نامشخص درآورد. تمام هنر دانته بالعکس در این راه به کار رفته است که دوزخ را صورتی مشخص و قطعی بدهد. اثر دانته اثر سحرآمیزی است که حاصلش با زبان قرون‌وسطایی این است: «کمال آدمی، در طریق الهی».

جیمز راسل لاول (J. R. Lawell) شاعر و ادیب بزرگ امریکایی (۱۸۱۹ - ۱۸۹۱): هنر بزرگ قرن چهاردهم این بود که این مردی را که می‌بایست به آتش سپرده شده باشد! بیست سال پس از مرگ مقدر زنده نگاه دارد تا به دست او اثری پدید آید که باید همیشه زنده بماند.

پاسکولی (Pascoli) شاعر بزرگ ایتالیایی، صاحب اثر تحقیقی معروفی دربارهٔ دانته (۱۸۵۵ - ۱۹۱۲): هیچ اثر ادبی، نه تنها در ادبیات ایتالیا بلکه در ادبیات جهانی، از حیث عظمت و اهمیت با کمدی دانته برابری نمی‌تواند کرد. هر خانهٔ ایتالیایی که نسخه‌ای از این شعر که بعد از دانته آن را الهی لقب دادند در آن نباشد، از بزرگ‌ترین فروغی که تا به امروز در زیر آسمان ایتالیا درخشیده، محروم است.

تی. اس. الیوت (T. S. Eliott) شاعر بزرگ معاصر انگلستان، برندهٔ جایزهٔ ادبی نوبل (متولد در ۱۸۸۸): دانته و شکسپیر دنیا را میان خود تقسیم کرده‌اند و سومی ندارند. دانته بیش از آنکه شاعری باشد پیغمبری است، و کتاب آسمانی او کتابی است که کمدی آسمانی نام دارد.

ادگار کینه (Edgar Quinet) فیلسوف و مورخ معروف فرانسوی (۱۸۰۳ - ۱۸۷۵): کمدی الهی اودیسهٔ جهان مسیحیت است؛ سفر نوع انسان است به دیار ابدیت؛ راهی است که از آدمی شروع می‌شود و به خداوند پایان می‌یابد.

پرینتس یوهان (P. Johann) پادشاه ساکسونی آلمان، و مترجم کمدی الهی به زبان آلمانی: من هروقت که به کمدی الهی می‌اندیشم، به یاد آتشی فروزان می‌افتم که در دل ظلمت بدرخشد و از ورای تاریکی‌ها نور بیفشاند.

ریوارول (Rivarol) نویسندهٔ معروف فرانسوی (۱۷۵۳ - ۱۸۰۱): کار عجیبی است که کسی از آخرین طبقهٔ دوزخ به اعلی طبقهٔ افلاک بالا رود؛ در یک اثر واحد مجموعهٔ زشتی‌ها و زیبایی‌ها را گرد آورد و از منتهای حقارت به منتهای جلال سفر کند؛ هم زمان را شامل شود و هم ابدیت را، هم فرشته را و هم انسان را، هم سرمنشأ جملهٔ

تبهکاری‌ها را و هم منبع جملهٔ پاکی‌ها را، هم شیطان را و هم خدا را در یک مجموعه جای دهد، و این مجموعه‌ای را با زبانی بنویسد که از پانصد سال پیش تاکنون شهرت و مقام آن، چون امواجی که از زمین‌لرزه‌های قوی پدید آید و پیوسته دورتر رود، دائماً رو به افزایش رفته است.

کنتس دو شوازول (Comtesse de Choiseul) خانم نویسندهٔ فرانسوی، مترجم برزخ و بهشت به زبان فرانسه، ۱۹۱۵: از ترکیب زیبایی‌ها و نواقص این کتاب، اثر شاعرانهٔ عجیبی پدید آمده است که به هیچ اثر دیگری که تاکنون دیده شده شباهت ندارد؛ روزی که هم ادبیات و هم مذاهب گذشته و حال از میان بروند، کمدی الهی چون بنای باعظمتی در میان ویرانه‌ها، همچنان پای‌برجا خواهد ماند.

موریس بارز (Meurice Barrès) نویسندهٔ معروف فرانسوی؛ عضو آکادمی فرانسه (۱۸۶۲ - ۱۹۲۳): (از سخنرانی او در مراسم ششصدمین سال مرگ دانته، بیست و یکم ژوئن ۱۹۲۱، در دانشگاه سوربنِ پاریس): «[...] دیروز هزاران نفر در کلیسای سن‌سورن گرد آمدند، زیرا دانته در سفر خود به پاریس در چنین روزی در این کلیسا دعا کرده بود. امروز خاطرهٔ این مرد مورد بزرگ‌ترین تجلیل مذهبی و معنوی قرار دارد که تاکنون دربارهٔ کسی صورت گرفته است. شاعر دیگری را بیابید که مراسم یادبود او تحت ریاست بزرگ‌ترین مرجع و مقام عالم مسیحیت آغاز شده باشد، و تعدادی چنین کثیر از رؤسای بزرگ‌ترین دموکراسی‌های دنیای کهن و دنیای نو سرپرستی این مراسم را به عهده گرفته باشند. در این لحظه که ما در اینجا گرد آمده‌ایم ارواح جملهٔ بزرگان گذشته پیرامون این مردی حلقه زده‌اند که زبان و پرچم عالم مسیحیت است.»

لاروس قرن بیستم: دانته یکی از بزرگ‌ترین نوابغی است که عالم بشریت با خود دیده است. کمدی الهی او در حقیقت دائرةالمعارف باعظمتی است که از لحاظ قدرت و وسعت دامنهٔ فکر آن را با هیچ اثر دیگری برابر نمی‌توان نهاد. شش قرن است که این مجموعه دائماً در معرض تحقیق و مطالعه و تفسیر است، و با این وصف هنوز نتوانسته‌اند کاملاً به عمق آن برسند.

مقدمه

کمدی الهی در ادبیات جهان - شخصیت دانته - زندگی دانته - آثار دانته - کمدی الهی - سوابق کمدی الهی در ادبیات شرق و غرب، نگاهی به سفر دوزخ - دوزخ در اساطیر یونان - ویرژیل و انئیس ارداویراف‌نامه، کمدی الهی ایرانی در ۱۰۰۰ سال پیش از دانته سیرالعباد الی‌المعاد سنایی غزنوی - رسالة‌الغفران ابوالعلاء المعری کلامی چند دربارهٔ ترجمهٔ کمدی الهی - منابع مقدمه و حواشی کتاب.

کمدی الهی در ادبیات جهان

در تاریخ هنر و ادب جهان، بعضی آثارند که دنیا آن‌ها را از شاهکارهای مسلم نبوغ بشری به شمار آورده است. این‌ها به خلاف آن دسته آثاری که خاص یک عصر یا سرزمین معین‌اند و به همین جهت با گذشت زمان جلوه و فروغ خود را کمابیش از دست می‌دهند، با مرور زمان تابنده‌تر و پرجلوه‌تر می‌شوند، و هرقدر روزگار بیشتر می‌گذرد عظمت و جلالی فزون‌تر پیدا می‌کنند. ونوس میلو و موسی میکل آنژ و ژوکوند لئوناردو داوینچی و ایلیاد هومر و جمهوریت افلاطون و شاهنامهٔ فردوسی و بسیار از پیس‌های شکسپیر و فاوست گوته از این قبیل‌اند. کمدی الهی دانته نیز اثری است که دنیا آن را یکی از بزرگ‌ترین آثار قریحهٔ بشری دانسته است.

تاکنون متفکرین و ادبا و هنرمندان درجه اول دنیا آن‌قدر از این اثر تجلیل و ستایش کرده‌اند که مجموعهٔ سخنان آن‌ها دراین‌باره خود به‌یقین از قطر کمدی الهی افزون می‌شود.

اگر از نظریات مبالغه‌آمیزی که بیشتر زادهٔ فرط جذبه و اشتیاق گویندگان آن‌هاست

بگذریم، می‌توان با اطمینان خاطر گفت که از بعد از انتشار کمدی الهی، یعنی در شش قرن اخیر، هیچ اثر ادبی در مغرب‌زمین مقام این کتاب را به دست نیاورده است. ارقامی که دربارهٔ نفوذ این کتاب در دنیا از طرف دانته‌شناسان[۱] برجسته تنظیم و تدوین شده، چنان است که گاه باور کردن آن‌ها دشوار به نظر می‌رسد، و من نیز که چند تای آن‌ها را به‌عنوان نمونه نقل می‌کنم هرگونه مسئولیتی را دراین‌باره به عهدهٔ گویندگان آن‌ها می‌گذارم، هرچند که اینان شخصیت‌های ادبی و علمی برجسته‌ای هستند که از شائبهٔ مبالغه به دورند.

الکساندر ماسرون (A. Masseron) استاد زبان و ادبیات ایتالیایی دانشگاه پاریس، که دو کتاب او به نام معماهای کمدی الهی و برای درک کمدی الهی از طرف آکادمی فرانسه مورد تقدیر قرار گرفته و یک کتاب دیگرش به نام دانته از جانب انجمن دانته‌شناسی ایتالیا از عالی‌ترین آثار خارجی مربوط به دانته شناخته شده است، حساب کرده که تاکنون دربارهٔ دوزخ دانته که مجموعاً شامل ۴۷۲۰ مصرع است، نزدیک به صدهزار تفسیر و شرح و تحقیق، به‌صورت کتاب‌ها، رسالات، مجموعه‌ها و مقالات تحقیقی به زبان‌های مختلف جهان نوشته شده است. طبق حساب همین استاد، تا به امروز نزدیک به ده‌هزار جلد کتاب دربارهٔ دانته و کمدی الهی منتشر شده، و روی‌هم‌رفته قریب هشتصد ترجمهٔ مختلف از این اثر صورت گرفته، من‌جمله تنها در زبان انگلیسی بیش از صد ترجمهٔ جداگانه از این کتاب منتشر شده و فقط در ده‌سالهٔ آخر قرن نوزدهم ۳۸ ترجمهٔ مستقل از کمدی الهی در انگلستان و امریکا و سایر کشورهای انگلیسی زبان انتشار یافته است. در زمرهٔ مترجمین این صد و اندی ترجمه به زبان انگلیسی می‌توان کسانی را نام برد که از بزرگ‌ترین شخصیت‌های ادب امریکا و انگلستان‌اند، از قبیل: لانگ‌فلو، کالریج، کارلایل، کاری، نورتن، لارنس بینیان و غیره.

به‌طور کلی از همان زمان بعد از دانته، یعنی پیش از اختراع فن چاپ، به ترجمهٔ کمدی الهی پرداختند و فهرست نسبتاً جامعی از این ترجمه‌ها را در یک کتاب تحقیقی معروف ایتالیایی به نام Bibliografia Dantesca می‌توان یافت.[۲] نخستین

۱. از سال‌ها پیش دانته‌شناسی در عالم تحقیق و ادب به‌صورت رشتهٔ تخصصی خاصی درآمده است که بدان dantnlogia (دانتولوژی) می‌گویند. در حال حاضر تقریباً در تمام کشورهای غربی استادان و ادیبان بزرگی وجود دارند که متخصص دانته و کمدی الهی هستند و بسیاری از نشریات مربوط به دانته، و محافل ادبی دانته‌شناسی و مجالس بحث و تفسیر کمدی الهی از طرف اینان اداره می‌شود.

۲. عنوان کامل این کتاب چنین است:
P. C. De Batines: Bibliografia dantesca, Ossia Catalogo delle edizioni, traduzioni,

زبانی که کمدی الهی بدان ترجمه شد زبان اسپانیایی بود، و از آن پس این کتاب تقریباً به تمام زبان‌های مهم جهان ترجمه شده است. ممکن است آخرین ترجمهٔ این کتاب ترجمه‌ای باشد که به شعر انگلیسی توسط John Ciardi در نیویورک در اواخر سال ۱۹۵۴ منتشر شده، و البته این ادعا در صورتی صحیح می‌تواند بود که در چند ماه اخیر ترجمهٔ تازه‌ای از این کتاب در اروپا و امریکا انتشار نیافته باشد، و این بسیار بعید به نظر می‌رسد.

از زمان دانته به بعد علاوه بر محققین و ادبا و دانشمندان بزرگی که به شرح و تفسیر و ترجمهٔ این کتاب پرداختند، و علاوه بر دانته‌شناسان برجسته‌ای که در شهرهای مختلف ایتالیا رسماً مأموریت یافتند که هفته‌ای یک‌بار کمدی الهی را در کلیساها و مراکز عمومی و میدان‌های شهر برای مردم معنی و تفسیر کنند، نقاشان و مجسمه‌سازان بزرگ نیز به خلق آثار برجستهٔ هنری براساس این کتاب پرداختند. در زمرهٔ مهم‌ترین نقاشان کمدی الهی می‌توان از بوتیچلی (Botticelli) نقاش بزرگ قرن پانزدهم ایتالیا و ویلیام بلیک (William Blake) شاعر و هنرمند بزرگ انگلیسی قرن هجدهم و از نقاشانی چون دلاکروا (Delacroix)، شفر، گلز، دلابرد، هامان، مورانی، منیان، کورتوا، کرنلیوس، و مجسمه‌سازانی چون تریکتی، الفرد شرون، سن‌مارسو، اوبه و غیره و به‌خصوص از گوستاو دوره (Gustave Doré) نقاش و حجار معروف قرن نوزدهم فرانسه نام برد. علاوه بر آثار این نقاشان، بسیاری از کلیساهای اروپا و بناهای مختلف تاریخی دارای تابلوها و مجسمه‌هایی هستند که توسط نقاشان و حجاران مختلف براساس مطالب کمدی الهی به‌خصوص «دوزخ» پدید آمده، حتی در کلیسای جلفای اصفهان تابلویی از دوزخ هست که به‌احتمال قوی از دوزخ دانته الهام گرفته است.

مجموعه‌ای موسوم به Catalogue of the Dante Collection که از سال ۱۸۹۸ - ۱۹۰۰ در نیویورک انتشار یافته، و ظاهراً کامل‌ترین فهرست مربوط به آثار دانته است، شامل بیش از ۶۰۰ صفحهٔ بزرگ است که ۱۸۰ صفحهٔ آن به دانته و آثار او، و بیش از ۴۲۰ صفحه به اسامی آثار تحقیقی و کتاب‌ها و رساله‌هایی که دربارهٔ کمدی الهی نوشته شده اختصاص یافته است و هریک از این ۴۲۰ صفحه که با حروف ریز و به‌صورت دو ستونی چاپ شده، شامل نام‌های متعدد مختلف با توضیحات مربوطه است، یعنی همین یک مجموعه به‌تنهایی شامل اسامی چندین هزار جلد کتاب است که دربارهٔ کمدی الهی نوشته شده. نسخه‌های این کتاب را در

---

manoscritti e commenti della Divina Commedia e delle Opere minori di Dante; 2vol.

کتابخانه‌های ملی امریکا و اروپا می‌توان یافت.

در سال ۱۹۲۰ مجموعهٔ دیگری به‌عنوان مکمل این مجموعه به نام Additions توسط مری فوولر دختر ویلیام فوولر ناشر مجموعهٔ اصلی در نیویورک منتشر شد؛ این مجموعهٔ تکمیلی در حدود ۱۲۰ صفحه دارد که شامل اسامی کتاب‌هایی است که در کاتالوک اصلی از آن‌ها نام برده نشده و غالباً بعد از آن تاریخ انتشار یافته‌اند. از سال ۱۹۲۱ به بعد این مجموعه هرساله با «گزارش سالیانهٔ انجمن دانته» در امریکا تکمیل می‌شود.

مجموعهٔ دیگری به زبان ایتالیایی به نام Bibliografia Dantesca: ۱۹۲۰-۱۰۳۰ که در سال ۱۹۳۲ در فلورانس منتشر شده، حاوی اسامی ۳۷۵۳ کتاب، رساله و مقالهٔ تحقیقی است که تنها در ده‌سالهٔ ۱۹۲۰ - ۱۹۳۰ دربارهٔ دانته نوشته شده و به چاپ رسیده است!

در حال حاضر در غالب کشورهای بزرگ اروپا و امریکا «انجمن‌های دانته‌شناسی» وجود دارد که محققین و ادبای درجه اول آن کشورها در آن شرکت دارند، و از طرف بسیاری از این انجمن‌ها مرتباً نشریه‌هایی دربارهٔ دانته و کمدی الهی منتشر می‌شود که هر شمارهٔ آن‌ها حاوی تازه‌ترین تحقیقات و مطالعات مربوط بدین کتاب است. مهم‌ترین این نشریه‌های منظم (به غیر از کتاب‌هایی که به‌طور مستقل منتشر می‌شود) تا آنجاکه من اطلاع دارم چنین است:

در ایتالیا: Bulletino della Società dantesce italiana که از سال ۱۸۹۰ تا سال ۱۹۲۱ بدین نام منتشر شده، و از آن پس نام آن تبدیل به Studi danteschi شده است.

نشریهٔ L, Alighieri که از سال ۱۸۸۹ منتشر شده

نشریهٔ Il Giornale dantesco که از سال ۱۸۹۳ - ۱۹۲۸ بدین نام منتشر شده، و بعداً نام آن بدل به Annuario dantesco شده است.

نشریهٔ Ilnuovo Giornale dantesco که از ۱۹۱۷ منتشر شده.

در آلمان: نشریهٔ Deutsches Dante - Jahrbuch که از سال ۱۹۱۹ به‌طور منظم در شهر وایمار منتشر می‌شود.

در امریکا: نشریهٔ The Annual report of the Dante Society که از سال ۱۸۸۳ تاکنون به‌طور منظم در شهر کمبریج در Massachussetts منتشر می‌شود.

در فرانسه: نشریهٔ Bulletin italien که از ۱۹۰۱ در بردو منتشر شده، و نشریهٔ Etudes italiennes که از ۱۹۱۹ در پاریس انتشار یافته، و این دو مجموعه با آنکه به خلاف نشریه‌های فوق‌الذکر منحصر به دانته و کمدی الهی نیست، عملاً بدان‌ها

اختصاص دارد.

علاوه بر آنچه گفته شد، مجموعه معروف Lectura Dantis که از سال‌ها پیش به‌صورت مجلدات مستقلی از یک سری کامل در فلورانس منتشر می‌شود شایان ذکر است. هریک از این کتاب‌ها که به‌طور متوسط شامل چندصد صفحه می‌شود، به شرح‌ها و تفسیرهای مربوط به یکی از سرودهای کمدی الهی تخصیص دارد، و تازه بعد از انتشار هر کتاب تدریجاً چندین «ضمیمه» و «جزوه» مربوط بدان منتشر می‌شود که در آن نظریات تکمیلی مربوط بدان سرود نقل شده است.

ولی این مجموعه منحصر به فلورانس نیست، زیرا تقریباً تمام شهرهای بزرگ ایتالیا دارای چنین مجموعه‌هایی هستند که خود مستقلاً انتشار می‌دهند، و از مجموعهٔ فلورانس گذشته، مهم‌ترین آن‌ها در شهر جنوآ تحت عنوان Lectura Dantis genovese منتشر می‌شود؛ در این مجموعهٔ اخیر، هر کتاب شامل شرح و تفسیر چند سرود است. مجموعه‌ای نیز به نام: Biblioteca storico-critica della letteratura dantesca از سال ۱۸۹۹ تاکنون به‌طور مرتب در شهر بولونیا در ایتالیا انتشار می‌یابد.

در انگلستان مجموعهٔ عالی و کاملی از طرف Paget Toynbee که بزرگ‌ترین دانته‌شناس اروپا در قرن کنونی به شمار می‌رود، به نام: Britain's tribute to Dante in Literature and art a chronolgical record of 540 years (1380-1620) در سال ۱۹۲۱ در لندن منتشر شده که فقط شامل اسامی ترجمه‌های انگلیسی کمدی الهی و فهرست تحقیقات و مطالعاتی است که دربارهٔ این کتاب در انگلستان شده است، و در آن ۱۶ صفحه بزرگ تنها به «فهرست» اختصاص دارد. از آن پس نیز در هر چاپ اطلاعات و اسامی تکمیلی مربوط به مدت فاصلهٔ بین دو چاپ بدین مجموعه افزوده می‌شود.

مجموعه‌ای به نام Siudies in Dante که از سال ۱۸۹۶ توسط E. Moore و فرزندان او در آکسفورد منتشر شده است، از منابع موثق مطالعات مربوط به کمدی الهی به شمار می‌رود.

شاید ذکری از دائرةالمعارف دانته‌ای نیز که کامل‌ترین اثر مربوط به دانته در ایتالیا است بی‌مورد نباشد. این مجموعه که موسوم است به Enciclopedia danresca در دو جلد در میلان منتشر شده، و یک جلد سوم در سال ۱۹۰۵ بدان افزوده شده است، و در هر چاپ تازهٔ این سه جلد جدیدترین اطلاعات دربارهٔ دانته، به شیوهٔ معمول دائرةالمعارف‌ها اضافه می‌شود. همچنین مجموعهٔ هفت جلدی فرهنگ دانته‌ای Dizionario dantesco که در سال ۱۸۸۵ در شهر سیه‌نا (Sienna) در ایتالیا منتشر

شده و در ۱۸۹۲ یک جلد هشتم بدان افزوده شده، و در هر چاپ تازه کامل‌تر می‌شود.

با این‌همه ، شاید بهترین دیکسیونر مربوط به دانته فرهنگی باشد که به زبان انگلیسی توسط Toynbee فوق‌الذکر انتشار یافته است و عنوان آن چنین است:

A dictionary of proper names and matters in the works of Dante - Oxford, 1868.

دو دانته‌شناس ایتالیایی به نام پاسرینی و ماتسی در سال ۱۹۰۰ کتابی به نام فهرست نشریات ده‌سالهٔ مربوط به دانته Un decennio di bibliografia dantesca منتشر کردند که مربوط به ده‌سالهٔ ۱۸۹۰–۱۹۰۰ بود و اسامی کتاب‌ها، رساله‌ها، مجموعه‌ها و مقاله‌های راجع به دانته را که فقط در آن ده‌ساله منتشر شده بود شامل می‌شد. این کتاب شامل ۵۹۴ صفحهٔ بزرگ است، و تعداد اسامی مندرج در آن به ۴۳۹۲ بالغ می‌شود.

با این حساب، در نیمهٔ اول قرن بیستم تعداد این قبیل کتاب‌ها، رساله‌ها و مقاله‌ها به ۲۲۰۰۰ رسیده است که نه‌دهم از این رقم، یعنی قریب به بیست‌هزار آن مربوط به کمدی الهی است، و تازه برای نشریات بی‌شمار سال ۱۹۲۱، یعنی ششصدمین سال مرگ دانته، که از تمام اروپا و امریکا در آن شرکت جستند و بزرگ‌ترین تجلیل جهانی را از یک شخصیت دنیای ادب به عمل آوردند، در این رقم جایی خاص منظور نشده است، در صورتی که در آن سال روزنامه و مجله‌ای در سراسر اروپا و قسمت اعظم از کشورهای جهان نبود که در آن مقاله و تحقیقی دربارهٔ دانته و کمدی الهی منتشر نشده باشد، و هیچ کشور اروپایی نبود که در آن کتب متعدد دراین‌باره انتشار نیافته باشد، چنان‌که آن سال را در عالم ادب اروپا «سال دانته» لقب دادند. تعداد کنفرانس‌هایی که در این سال در ایتالیا، فرانسه، آلمان، انگلستان، امریکا، بلژیک، هلند، اسپانیا، چکوسلواکی و غیره دربارهٔ کمدی الهی ایراد شد، به حساب یک دانته‌شناس معاصر فرانسوی، ماسرون، از هزار متجاوز بود.

طبق محاسبهٔ همین دانته‌شناس فرانسوی، تنها در ده‌سالهٔ آخر قرن نوزدهم یعنی از ۱۸۹۰– ۱۹۰۰ شش ترجمه تازه از کمدی الهی به زبان‌های محلی ایتالیایی، ۸ ترجمهٔ تازه به زبان فرانسه، ۱۱ ترجمهٔ تازه به زبان آلمانی، ۳۸ ترجمهٔ تازه به زبان انگلیسی، ۶ ترجمهٔ تازه به زبان اسپانیایی، ۲ ترجمهٔ تازه به زبان چک از این کتاب منتشر شده – در همین مدت بیش از صد کتاب و رساله و مقالهٔ تحقیقی دربارهٔ سرود سی و پنجم دوزخ، چهل کتاب، رساله و مقاله دربارهٔ سرود سی و سوم دوزخ، چهل کتاب، رساله و مقاله دربارهٔ سرود یازدهم بهشت منتشر شده – ۱۷ تفسیر تازه دربارهٔ جملهٔ «آن پا که بر زمین استوارتر بود»، ۱۴تفسیر تازه دربارهٔ اینکه «صدای ویرژیل بر اثر خاموشی

ممتد ضعیف شده بود»، ۲۳ تفسیر تازه دربارهٔ این جمله که «[...] شاید گوید وی شما در وی به چشم حقارت نگریسته بود» (رجوع شود به شرح ۱۴، ص ۱۱۹ این کتاب) و ۵۵ تفسیر تازه دربارهٔ «آن کس که از روی فرومایگی آن دریغ بزرگ را کرده بود» انتشار یافته است. برای اینکه رقم متوسط یک‌صدساله اخیر دراین‌باره به دست آید قاعدتاً باید هریک از این ارقام را ده برابر کرد.

شخصیت دانته

برخی از بزرگان به سرزمین معینی تعلق دارند؛ برخی هستند که دامنه نفوذشان از سرزمین خودشان تجاوز می‌کند و سراسر عصر و دوره‌ای را شامل می‌شود؛ بزرگان معدودی نیز هستند که پا از عصر و دوران خود فراتر می‌گذارند و بر تاریخ جهان یعنی بر سراسر قرون بعد از خود سایه می‌افکنند. از این بزرگان در همه رشته‌های علم، ادب، فکر، هنر و سیاست و غیره می‌توان یافت، و شک نیست که در عالم ادب دانته یکی از این‌کسان است.

تقریباً تمام محققین عالم ادب مغرب‌زمین، دانته را یکی از سه شاعری شمرده‌اند که «اعظم شعرای تاریخ جهان» لقب دارند.

بدیهی است مقام «اعظم شعرای ایتالیا» برای دانته به‌قدری مسلم و محرز است که هیچ‌کس تاکنون دراین‌باره تردیدی نکرده است. دانته در ایتالیا مقامی دارد که به‌احتمال قوی نظیر آن را هیچ شاعر دیگر در هیچ کشور دیگر ندارد، زیرا در ایران ما، این مقام میان فردوسی و نظامی و سعدی و حافظ مشترک است، و در اروپا نیز، گوته در آلمان، ولتر و هوگو در فرانسه، کالدرون در اسپانیا، کامونیس در پرتغال و پوشکین در روسیه با همهٔ عظمت خود این اولویت مسلم را که دانته در ایتالیا دارد ندارند. فقط مقام شکسپیر را در انگلستان می‌توان با مقام دانته در ایتالیا برابر نهاد، با این تفاوت که نام دانته در ایتالیا با یک‌نوع «تقدس» روحانی درآمیخته که شکسپیر فاقد آن است، و از این حیث دانته را می‌توان در کنار لسان‌الغیب ما جای داد.

چنان‌که گفته شد تاکنون در اروپا سه نفر از شعرای جهان «اعظم شعرای تاریخ بشر» محسوب شده‌اند که عبارت‌اند از: هومر و دانته و شکسپیر، و بیست سال پیش که مراسم هزارهٔ فردوسی در جهان برپا می‌شد، غالباً اظهار عقیده کردند که فردوسی نیز یکی از این جمع است و باید از لحاظ تاریخ نفر دومین محسوب شود تا این چهار شاعر «ارکان اربعه» ادب جهان باشند.

دانشمند محترم آقای مینوی در شرح جامعی که چند سال قبل دربارهٔ دانته نوشته‌اند در این مورد نظر محققین اروپایی را به‌تفصیل تشریح کرده‌اند:[۳] «اروپاییان سه نفر از شعرا را در طبقه اول، و رأس شعرای بشر قرار می‌دهند، که همیروس و دانته و شکسپیر باشند، و ملاک ایشان این است که این سه نفر از تمام عطایا و قوا و ملکات مخصوص شاعر به حد اعلا بهره‌ور بوده‌اند، و هریک از ایشان عرصهٔ بسیار وسیعی از علایق و احساسات و ممیزات تمامی نوع بشر را میدان جولان افکار خود و موضوع منظومات و نمایش‌ها و اشعار خود قرار داده است. دانته از حیث سهولت الفاظ و سادگی کلام، از حیث افسونگری و گیرندگی سخن و سحر بیان برای عموم آدمیان و از حیث تنوع معانی به پای آن دو شاعر دیگر نمی‌رسد، و آن لذت دائمی که اشعار همیروس و شکسپیر به خواننده و شنونده می‌دهد در شعر دانته کمتر است. از حیث جزالت و استحکام و قوت عبارت، و از حیث عمق فکر و قوهٔ پی بردن به کنه صفات بشر و رسیدن به غور زندگانی، دانته با آن دو نفر برابر است. ولی چیزهایی هم هست که دانته در آن‌ها از آن دو شاعر بالاتر است، من‌جمله اینکه دامنهٔ موضوعات و عرصه جولانگاه افکارش وسیع‌تر است، و مجموعهٔ کمالات و ممیزات انسانی، به‌علاوهٔ طبیعت و گذشته و حال و آینده همه را بیشتر از آن دو نفر دیگر مطمح نظر قرار می‌دهد و توجه او به معارف بشری و جمع کردن و وفق دادن بین آن‌ها، و اشتیاق او به اینکه جامعهٔ بشری به‌طور کلی تمام هم و سعی خود را متحداً مصروف سیر در راه کمال بنماید مافوق توجه و اشتیاق سایرین است، و به همین جهت است که اوگوست کنت، فیلسوف بزرگ فرانسه گفته است که «کتاب کمدی الهی دانته حماسه بی‌مثل و مانندی است و هنوز هم بلندترین درجهٔ فر و جلال هنر و صنعت انسانی همین است».

شاخصیت دانته در عالم ادب به‌قدری است که حتی مقام گوتهٔ آلمان را که بی‌شک از عجیب‌ترین نوابغ تاریخ بشر است با او برابر ننهاده‌اند. میان شکسپیر و دانته نیز این تفاوت هست که شکسپیر اثری که به‌تنهایی با کمدی الهی دانته قابل قیاس باشد ندارد، و برابری این دو، وقتی است که مجموعهٔ آثار شکسپیر را که از افتخارات عالم انسانی است با کمدی الهی دانته در ترازوی سنجش گذارند.

از نظر غربیان، مقام دانته چنان بلند است که غالباً پایان دوران قرون‌وسطا را زمانی می‌شمارند که کمدی الهی این شاعر نوشته شد، زیرا معتقدند که در واقع با این اثر عصر جهالت و ظلمت به پایان رسید و دورهٔ فروغ رنسانس آغاز شد.

---

۳. «پانزده گفتار»، آقای مجتبی مینوی، نشریهٔ دانشگاه تهران، ص ۳۷ – ۳۸.

زندگی دانته

دانته آلیگیری (Dante Alighieri) در ماه مه سال ۱۲۶۵ در شهر فلورانس به دنیا آمد.[۴]

فلورانس در آن زمان یکی از جمهوری‌های متعدد ایتالیا بود که مانند شهرهای ونیز (Venezia)، پیزا (Pisa)، سیه‌نا (Sienna)، جنوآ (Genova)، راونا (Ravenna) و غیره، برای خود استقلال داشت؛ این شهرها از لحاظ بازرگانی شهرهایی آباد و مرفه بودند، ولی همهٔ آن‌ها دستخوش اختلافات و دسیسه‌بازی‌ها و بند و بست‌های داخلی فراوانی بودند که در آن دوره تقریباً بر سراسر اروپا حکم‌فرما بود، منتها در هیچ‌جا به پای ایتالیا نمی‌رسید.

از اوایل قرن سیزدهم مسیحی (قرنی که دانته در آن به دنیا آمد)، فلورانس و غالب شهرهای اطراف آن میدان زورآزمایی سیاسی دو دسته‌ای بودند که گوئلفی(Guelfi) و گیبلینی(Ghibellini) نام داشتند.[۵] از لحاظ سیاسی «گیبلینو»ها طرف‌دار «امپراتوری مقدس روم و ژرمن» بودند که ریاست آن با امپراتور آلمان بود، و «گوئلفو»ها که خاندان دانته از آن‌ها بود به‌عکس هواخواه پاپ و آزادی ایتالیا از نفوذ آلمان بودند.

برای آشنایی با جریان زندگی دانته و طرز فکر قرون‌وسطایی آن زمان که اساس شناسایی کمدی الهی است، باید وضع کلی اروپای آن دوره را به نظر آورد.

در قرن دانته، اروپا اواخر دورانی را می‌گذرانید که امروزه به‌طور کلی قرون‌وسطا نامیده می‌شود. این دورهٔ قرون‌وسطایی از اوایل قرن ششم مسیحی که امپراتوری روم بر اثر حملات وحشیان شمالی اروپا و وحشیان زردپوست آسیای مرکزی و شرقی از هم پاشید، تا سال ۱۴۵۳ که شهر قسطنطنیه به تصرف ترکان عثمانی درآمد ادامه داشت، و در سراسر این دوران، مغرب‌زمین به‌جز قسمت کوچکی از آن که امپراتوری بیزانس را شامل می‌شد، و اسپانیا که تحت استیلای مسلمانان بود، در جهل و پراکندگی و اختلافات خانگی می‌زیست. در این دوره تقریباً تمام اروپا تقسیم به سرزمین‌های مستقل کوچک کوچکی شده بود که تحت تسلط فئودال‌ها قرار داشت، و فقط مذهب بود که تا حدی مشعل علم را در این ظلمت‌کده تابان نگاه می‌داشت.

---

۴. نام این شهر در زمان دانته فیورنتسا (Fiorenza) بود و به همین صورت نیز در کمدی الهی آمده است، ولی امروزه در ایتالیا فیرنتسه (Firenze) خوانده می‌شود، در این کتاب بنا به تلفظی که از مدت‌ها پیش در ایران معمول بوده همه‌جا فلورانس آورده شده است.

۵. جمع گوئلفو (Guelfo) و گیبلینو (Ghibellino) که در حواشی این کتاب گوئلف و گیبلین آورده شده است، (رجوع شود به ص ۱۳۰ این کتاب، شرح ۱۱).

قرنی که دانته در آن به دنیا آمد نزدیک به اواخر این دوران قرون‌وسطایی بود و تدریجاً مقدمات تحولات اجتماعی عظیمی که دورهٔ «رنسانس» و در پی آن عصر جدید را پدید آورد آغاز شده بود. دانشگاه‌های متعدد در شهرهای بزرگ ایتالیا، و فرانسه، آلمان، انگلستان و اتریش تأسیس شده و بسیاری از آثار برجستهٔ فکر و ادب و علم یونانی و اسلامی به زبان لاتینی که زبان علمی اروپای آن روز بود ترجمه شده بود، و اندک‌اندک نویسندگان و شعرا و دانشمندان بزرگی از قبیل پترارک و سن تماس داکن و آلبرتوس ماگنوس (البرت کبیر) و بیکن و غیره در اروپا پیدا شده بودند، و بر روی هم هنر و ذوق از خشونت و زندگی قرون‌وسطایی به در می‌آمد. خیلی از تاریخ‌نویسان و متفکرین اصولاً بر این نظرند که ظهور دانته را با او شروع کرد.

در قرن سیزدهم یعنی در قرن دانته و کمدی الهی، وضع کلی اروپا و دنیا به‌طور خلاصه بدین ترتیب بود: جنگ‌های چندصدساله صلیبی که از سال ۱۰۹۶ مسیحی شروع شده بود قریب به اتمام بود؛ آخرین جنگ واقعی صلیبی، بین شرق و غرب، در اوایل قرن سیزدهم مسیحی تحت رهبری ونیزی‌ها و به کمک نیروی دریایی آنان صورت گرفته بود، و جنگ دیگری که اندکی بعد از آن علیه «مرتدین» آلبی انجام شد و جنگ صلیبی نام گرفت، بیشتر به شوخی شباهت داشت. این «مرتدین آلبی» که در جنوب فرانسه می‌زیستند پیروان فرقهٔ خاصی از آیین عیسی بودند که براساس دوگانگی دین زرتشتی و معتقدات ایرانی تکیه داشت، و در حقیقت اینان مظاهر روح و فلسفه ایرانی در اروپای آن روز بودند.

مقارن این احوال، آسیا دچار بزرگ‌ترین طوفان سیاسی و اجتماعی تاریخ خود یعنی اسیر فتنهٔ مغول بود. شصت سال پیش از تولد دانته، چنگیز یورش وحشیانهٔ خویش را از مغولستان به‌سوی مغرب شروع کرده و شمال چین و آسیای مرکزی و بعد ایران را به تصرف در آورده بود و اندکی بعد مغولان روسیه جنوبی را اشغال کرده و از راه لهستان به اروپا سرازیر شده بودند. در اواسط این قرن (۱۲۴۱ مسیحی)، نیروی مغول در جنگی تاریخی، قوای آلمان‌ها و لهستانی‌ها و مجارها را درهم شکست و پنج سال پیش از تولد دانته بود که قوبلای قاآن، خان کبیر، فرمانروایی امپراتوری عظیمی را که از کنارهٔ دریای ژاپن تا قلب اروپا را شامل می‌شد آغاز کرد.

در همین موقع در انگلستان نخستین پارلمنت واقعی تاریخ گشوده می‌شد، و این واقعه درست در همان سال صورت گرفت که دانته پای به جهان می‌نهاد؛ و در این احوال، در فرانسه وضع اجتماعی درست در مسیری مخالف با مسیر اجتماعی انگلستان یعنی به‌سوی استقرار قدرت مطلقه پادشاهان سلسله والوا و از میان رفتن

تدریجی ملوک‌الطوایفی به نفع حکومت مرکزی پیش می‌رفت. آلمان و ایتالیا هنوز تحت حکم‌فرمایی واحد امپراتوران مقدس روم و ژرمن بودند ولی ایتالیا تلاش بسیار می‌کرد که خود را از زیر نفوذ آلمان‌ها بیرون آورد.

در این میان بزرگ‌ترین قدرت معنوی در سراسر اروپا قدرت پاپ و دستگاه مذهبی واتیکان بود که در همه‌جا حریف بزرگ و سرسختی برای پادشاهان و فرمانروایان به شمار می‌رفت، بدین جهت بود که در آلمان و فرانسه و انگلستان و بسیار جاهای دیگر، پاپ‌ها با حریفان سیاسی خود دست و پنجه نرم می‌کردند. تنها جایی که از نفوذ پاپ مصون بود، قسمتی از اسپانیا بود که هنوز زیر فرمان مسلمانان بود، ولی در آن زمان دیگر قدرت واقعی مسلمین در اسپانیا رو به زوال بود و آن شکوه و هیمنهٔ قرون پیش را نداشت.

در تمام اروپا هیچ سرزمینی به پراکندگی ایتالیا نبود. قسمت جنوبی ایتالیا جزو حکومت «ناپل و سیسیل، و قسمت مرکزی آن قلمرو پاپ و واتیکان بود، ولی از شمال رم تا بالای ایتالیا تقسیم به حکومت‌های خودمختار کوچکی شده بود که چنان‌که گفته شد از حیث فرهنگ و ذوق و صنعت و تجارت خیلی پیش رفته بودند، ولی همهٔ آن‌ها مثل ایالات مختلف یونان قدیم، از یک طرف اسیر اختلافات و دسته‌بندی‌های شدید سیاسی داخلی بودند و از طرف دیگر با یکدیگر در جنگ و جدال به سر می‌بردند. از نظر اخلاقی غالب این جمهوری‌ها دچار انحطاط فراوان بودند، به‌طوری که دروغ و حیله و ارتشا و پیمان‌شکنی و خیانت و عدم توجه به اصول شرافت برای آن‌ها امری رایج بود؛ به همین جهت سرتاسر کمدی الهی پر است از شکایت‌هایی که شاعر از این فساد عمومی شهر و کشور خود می‌کند.

فلورانس که شهر بسیار آباد و متنعمی بود، در این زمان در آتش اختلافات شدید داخلی می‌سوخت. چنان‌که گفته شد از اوایل قرن سیزدهم مسیحی (قرن تولد دانته)، دو دستهٔ سیاسی رقیب یعنی گوئلف‌ها و گیبلین‌ها در این شهر با هم کشمکش داشتند و گاه اینان و گاه آنان بر توسن مراد سوار می‌شدند. در سال ۱۲۶۰ یعنی پنج سال پیش از تولد دانته بالاخره کار این اختلاف به خون‌ریزی موحشی کشید، بدین ترتیب که دسته «گیبلین‌ها» که چندی پیش از آن از فلورانس طرد شده بودند به فرماندهی فاریناتا با قوای شهر سیه‌نا پیمان اتحاد بستند و متفقاً به قوای فلورانس حمله بردند و آن‌ها را در جنگ معروف مونتاپرتی (Montaperti) در هم‌شکستند که در کمدی الهی بارها بدان اشاره شده است. در نتیجهٔ این پیروزی دسته گیبلینی که طرف‌دار امپراتوری آلمان و روم و از لحاظ اجتماعی مدافع طبقه

اشراف (آریستوکراسی) بود، در فلورانس روی کار آمد، ولی چندی بعد پس از مرگ فاریناتا، ورق برگشت و این بار برای همیشه گیبلین‌ها از این شهر طرد شدند و گوئلف‌ها که خاندان دانته از آن‌ها بودند حکمرانی شهر را در دست گرفتند.

اما اندکی نگذشت که میان خود این گوئلف‌ها تفرقه افتاد، و بالاخره این تفرقه باعث تقسیم آنان به دو دسته مختلف شد که سیاه‌ها (Neri) و سفیدها (Bianchi) لقب گرفتند. این دسته‌ها طبق روش کلی گوئلف‌ها طرف‌دار پاپ بودند، ولی بیش از پاپ خواهان آزادی فلورانس در مقابل هرگونه نفوذ سیاسی خارجی به شمار می‌رفتند، بدین جهت طولی نکشید که یکی از آن دو، یعنی دسته سفیدها با پاپ از در ستیز درآمد، و پاپ به کمک فرانسویان درصدد درهم شکستن آن‌ها برافتاد. شاید این حوادث، مثل دسیسه‌بازی‌های سایر ادوار تاریخ ایتالیا و جهان، می‌بایست دیر یا زود فراموش شده باشد، ولی امروزه این تحولات سیاسی قرن سیزدهم اختصاصاً مورد توجه عمومی است، زیرا کمدی الهی دانته آن را به‌صورت خاطره‌ای فراموش‌نشدنی درآورده است.

در چنین محیط آشفته و پر دسیسه‌ای بود که دانته سالیان کودکی و جوانی خود را گذرانید. از تحصیلات اولیه او چندان اطلاعی در دست نیست، ولی قطعی است که این تحصیلات وسیع و دامنه‌دار بود؛ ظاهراً وی در دانشگاه بولونیا که در آن عصر شهرت خاص داشت، و نیز در دارالتعلیم فرقه مذهبی برادران کهتر[۶] در شهر سنتا کروچه تحصیل کرد، ولی قسمت عمدهٔ رشد فکری و فلسفی خود را مرهون دانشمند بزرگی به نام برونتو لاتینی (Brunetto Latini) بود که چندین کتاب و یک نوع دائرةالمعارف علوم آن عصر را به زبان‌های فرانسه، ایتالیایی و لاتینی نوشته بود، و دانته در سرود پانزدهم «دوزخ» خود به‌تفصیل و با احترام از او نام می‌برد.

در این دوران کودکی بود که عشق افسانه‌ای و معروف دانته به بئاتریکس[۷] آغاز شد. بئاتریکس دختر مردی به نام پرتیناری بود که نزدیکی خانوادگی با دانته داشت، و در یک میهمانی فامیلی بود که دانته برای اولین بار با دختر او ملاقات کرد. در آن هنگام دانته نه سال داشت و بئاتریس هشت‌ساله بود، ولی خود دانته معتقد است که عشق سوزان او به بئاتریس از همین هنگام آغاز شد، و چنان‌که در کتاب زندگانی نو خود می‌گوید: «از این هنگام بود که پا به قلمرو سلطان عشق نهاد.»

ده سال بعد وی نخستین نغمه‌های عاشقانهٔ خود را به خاطر این دختر سرود. ولی

۶. Frati Minori، دربارهٔ این فرقهٔ مذهبی، به شرح اول سرود بیست و سوم این کتاب مراجعه شود.
۷. Beatrice Portinari، به شرح ۱۴، ص ۹۱ این کتاب مراجعه شود.

این عشق تا آخر به صورتی افلاطونی باقی ماند، زیرا بئاتریس به مردی دیگر شوهر کرد و اندکی بعد یعنی در ژوئن سال ۱۲۹۰، در ۲۴ سالگی مرد. این مرگ نابهنگام روح دانته را تکان داد و او را که هنوز شاعری تازه‌کار و ناپخته بود، چنان آمادهٔ شاعری کرد که عاقبت به‌صورت یکی از بزرگ‌ترین شاعران تاریخ جهانش درآورد.

در ادبیات جهان ستایشی که دانته از این زن کرده نظیر ندارد، زیرا هیچ شاعری هنوز محبوبه خود را تا بدین درجه الوهیت بالا نبرده است. دانته بدین بئاتریس در کمدی الهی مقام «مظهر حق» و «نمایندهٔ لطف الهی» داده، و او را تا حد فرشتگان ملکوت بالا برده و در عالی‌ترین طبقه فردوس، که آدمیان بدان راه می‌توانند یافت جای داده است. خودش، پیش از سرودن کمدی الهی در کتاب معروف دیگرش به نام زندگانی نو (Vita Nuova) نوشته بود که: «[...] امید دارم دربارهٔ او آن چیزی را بگویم که تاکنون دربارهٔ هیچ زنی گفته نشده است»، و کم اتفاق افتاده که کسی تا بدین پایه به قول خویش وفا کرده باشد.

با این وصف، عشق دانته به بئاتریس مانع از آن نشد که وی پس از مرگ محبوبهٔ خود روی به عشق‌هایی دیگر آورد و سراغ زیبارویانی دگر رود.

شاید، چنان‌که غالباً در شرح‌حال دانته نوشته‌اند، این گریزپایی‌های شاعر بیشتر به خاطر سرگرم کردن او صورت گرفت تا برای تسلای خاطر و فراموشی. بالاخره در سال ۱۲۹۳، یک سال بعد از مرگ بئاتریس، وی با زنی به نام جما (Gemma) از خاندان دوناتی (Donati) یک خانوادهٔ محترم فلورانسی ازدواج کرد، و این زن تا ده سال بعد از مرگ او نیز بزیست.

در این زمان دانته شاعر مشهوری شده بود و یکی از رهبران مکتب ادبی تازه‌ای به نام «سبک ملایم نو» (Dolce Stil nuovo) به شمار می‌رفت که در عالم ادب به وجود آمده بود. این مکتب، نظیر مکتب رمانتیک قرن نوزدهم طرف‌دار بیان احساسات و عواطف قلبی بود، و اساس کار آن دوری از تصنع و سادگی بیان و توجه به الهامات شاعر به شمار می‌رفت، و از این حیث نقطه مقابل مکتب ادبی رایج آن زمان بود که مکتب ادبی سیسیل نام داشت و اساس کارش سبک نویسندگی پیچیده و پر از سجع و قافیه‌ای بود که تا حد زیادی به مکتب نظم هندی ما شباهت داشت.

در همین احوال دانته در چندین زدوخورد بین قوای فلورانس و همسایگان این شهر شرکت کرد که خاطرهٔ آن‌ها جابه‌جا در کمدی الهی آمده، و مهم‌ترین‌شان نبرد «کامپالدینو» بود.

در حدود سی سالگی به فعالیت سیاسی پرداخت. در سال‌های ۱۲۹۶ و ۱۲۹۷

به عضویت شورای صد نفری (Consiglio dei Cento) انتخاب شد و در سال ۱۳۰۰ به سمت سفیر فلورانس به سن جمینیانو رفت؛ دو ماه نیز در سال ۱۳۰۱ سمتی نظیر «رئیس دیوان عالی کشور» را در شهر خود داشت، و در این سمت بود که لااقل ده نطق آتشین علیه پاپ بونیفاتسیوی هشتم ایراد کرد که تمام بدبختی‌های بعدی او از آن سرچشمه گرفت؛ ولی دانته عملاً در کمدی الهی از او به‌طوری انتقام ستاند که این پاپ را به‌صورت یکی از منفورترین پاپ‌های تاریخ کلیسا درآورد.

در سال ۱۳۰۰، بین دو دستهٔ سیاسی سفیدها که نمایندهٔ ثروتمندان و نوکیسگان شهر بودند، و دستهٔ سیاه‌ها که از طبقات عامه هواخواهی می‌کردند، زدوخوردی شدید درگرفت که بر آتش کینه‌توزی‌های گذشته دامن زد. پاپ ظاهراً برای استقرار آرامش و در واقع برای توسعهٔ نفوذ خود، کاردینال آکوئاسپارتا را به فلورانس فرستاد، ولی وی نتوانست کاری انجام دهد، و این‌بار پاپ از شارل دووالوا برادر فیلیپ لوبل پادشاه فرانسه کمک گرفت. مقام و قدرت این «مصلح» تازه فلورانسیان را سخت نگران کرد، و دستهٔ سفیدها که در آن وقت روی کار بودند، سه نفر را به نمایندگی خود به‌عنوان سفیر فوق‌العاده به نزد پاپ فرستادند تا او را از این فکر منصرف سازند و راه سازشی به دست آرند. دانته یکی از این سه نفر بود، ولی آن روزی‌که به قصد سفر به واتیکان از شهر خود بیرون آمد خبر نداشت که دیگر تا آخر عمر خویش این شهر را به چشم نخواهد دید.

اندکی بعد از آغاز این سفر بود که شارل دووالوا و قوای پاپ پیروزمندانه وارد فلورانس شدند و دستهٔ سفیدها را که با آنان مخالفت کرده بودند از آنجا راندند و زمام امور را به دست سیاه‌ها سپردند. این تغییر حکومت مقدمهٔ تصفیهٔ دامنه‌داری شد که در نتیجه آن، بسیاری از اشخاص سرشناس و خاندان‌های بزرگ شهر از میان رفتند؛ و از نظر تاریخی «دانته» معروف‌ترین قربانی این تصفیه شد.

روز بیست و هفتم ژانویه سال ۱۳۰۲ نخستین حکم علیه دانته از طرف دادگاه فلورانس صادر شد. در این حکم به قصد بدنام کردن وی، سخنی از سیاست نرفته بود، بلکه وی را متهم به «سوءاستفاده از اموال دولتی» کرده و بدین جرم به پرداخت پنج‌هزار فیورینو جریمه و دو سال تبعید از فلورانس و محرومیت ابد از حقوق مدنی محکوم ساخته بودند. دادرسی به‌طور غیابی صورت گرفت و دانته در آن حضور نیافت، زیرا همه می‌دانستند که در چنین دادگاهی رأی به چه صورت صادر خواهد شد. تقریباً چهل روز بعد از آن، حکم تازه‌ای دربارهٔ او صادر شد و این‌بار وی محکوم بدان شده بود که اگر به دست مقامات تأمینیه و قضائی فلورانس بیفتد، زنده‌زنده